است. به باور کارشناسان، پاکسازی کامل مناطق

آلــوده به مَين نيازمند بيش از ١٠ ســـال فعاليت

جهانی آقدامات ٔ زیادی برای ممنوعیت توسُعه، تولید، تشـویق، انتقال و ذخیره مینها و تدوین

مقرراتی برای الزام دولت ها و گروه های نظامی برای انهدام انبارهای موجود و پاکسازی مناطق الوده به مین و کمک به قربانیان آن انجام شده

كه بانيان اصلى اين ايده هاو اقدامات ساز مان هاى

مردمنهادوغيردولتى بودهأندو بعدها دولتهاهم در کنار این سازمان هاقرار گرفته و برای سیدن به

ر کر کرد. اهداف و برنامه های آنان تلاش کردهاند.اما با وجود این که در طول ۸ ســال جنگ تحمیلی بیش از

۳۰ میلیون مین در کشورمان کار گذاشته شده ست،اجازه فعالیت و ورودسازمان های مردمنهاد

که دارای دانش و تخصُصُ در این زمینه هستند. داده نمیشـود و در عمل سازمان های مردمنهاد

نقــش و دخالتی در امر بســیار مهـــم و حیاتی جمع آوری مینهای موجــودو نظارت بر انهدام آنهاندارند. به لحاظ محدودیت برای سازمان های

دمنماد، فعاليبت أنما منحص به 1. ايبه أما. ه

مُوزشُ درباره خطراتُ مين و نحُوه مواَّجهه با أُنُ

مین روب ها بااطلاع کامل از خطرات جانی پا به این عرصه گذاشته و می دانند که خارج کردن

. ر . یاانهدام هر مین توسط آنهامنجر به نجات جان یک شهروندو سلامت چندین خانواده میشود.

... با درنظر گرفتُن اهمیت کار آنان و تاثیر بسزایی که در ســــالامتجامعه دارند، ضروری اســت که افــراد میــــنروب و خانوادههای آنــان از جهات

مختلف مورد حمایت مادی و معنوی قرار گیرند. علت اساسی کندی فعالیتها و اقدامات مربوط

به مینروبی و منهدمنشـدن کُامــل مین ُهاُی موجود، حمایت اساسی نکردن از افراد مینروب

هنگام فعالیت مین روبی، آتیه و تامین معیشت مین روب مصدوم و خاناواده و افراد تحت تکفل

آنان به فراموشی سپرده می شود: با این توجیه که نوع رابطه بیشتر این افراد با وزارت دفاع و

ستخدمان رسمی برخوردار نیستَند صُرفَنظر زنوع رابطه شـغلی و استخدامی افراد مین روب

اًیددانست که این نوع رابطه صرفا بر دوران کاری نان حکمفرماست و چنانچه بر اثر فعالیت کاری

دحاً، صدمات و زیان های مادامالعم، و همیشگر

ر ریادی اید حمایت از آنان رابه بعداز دوران فعالیت

شــغل، دچار ایــن ص

ر ب شغلی هم تسری داد. چون به دلیل حادثه ناشی از نوع

ورد حمايت دايمي هم قرار

ئيرند،به ويژه با توجه به ابعاد

واثرات اقدامات شعلى أنان

جُسَمى، معنسوى و جانى شهروندان توجه مضاعف به

صدومان مین روب

. نر راسستای تامین سا

ضروری است. ُ با توجـه به عدم الحــاق ایران به کنوانس

«اتاوا» و اینکه متاسفانه کشـورمان ممنوعیت ساور و بید ---تولید، نگهداری و بکار گیــری مینهای ضد نفر را نپذیرفته، تاکنون نتوانســته است از امکانات و

ر بی بر تجهیزات به روز شده دنیا در انهدام مین برخوردار باشد و فعالیت های مین زدایی و تسلاش برای

مینرویی با روشها، ابزار و تجهیسزات قدیم انجام می گیرد، در حالی که با الحاق ایران به ایر

کنوانسیون، از تجربیات، دانش و تکنولوژی دیگر

از نوع رابطه ش

علتاساس*ی ک*ندی فعالیتهاواقداماتمربوط

بهمينروبىومنهدمنشدن کاملمینهایموجود، عمایتاساسینکردناز

افرادمینروباست؛زیرادر صورتفوتیانقصعضو آنان

هنگامفعالیتمین روبی، آتیه

و تامین معیشت مین روب صدوم و خانواده و افراد تحت

تكفل أنان بهفراموشي سپرده

تگاههای مربوطه قرار دادی بوده و از مزایای

ت؛ زيرا در صــورت فوت يا نقــص عضو آنان

مین،مینروب،انفجار

حمايتهايي كهدوام ندارد



واثسرات ناگواری را بسر جامعه و انسسان ها برجا گذارند، به دلیل وسعت و گستردگی خسارات مالي و جاني، تاكنون آمار دقيقي از خسارتهاي اقتصادى و جانى ناشى از وجودمينُ هاارايه نشده سارتهای وارده باید زیان خدشه دار شدن

حسارتهای وارده باید رون خدستادار سدن امنیت ذهنی شهروندان راهم افزود. بر اثر آلودگی برخی از مناطق کشیور به مین، زمینهای حاصاخیز بسیاری امکان و قابلیت کشتر راز دست دادهاند و کشاورزان و صاحبان سسرارار مرها کردن زمین ها شده ناد عین آنها اگزیر به رها کردن زمین ها شده نادند قوت نقص عضو شهروندان هم بسیاری از خانوادهها را بی سرپرست کرده و فقر و تنگدستی شدید افسراد زیــادی را قربانی می کند. از دست دادن مید به زندگی، محروم شدن بسیاری از قربانیان از تشــکیل خانواده، بــه وجود آمدن بسـ ناهنجاریهای روحی و روانی و از دســـت فرصت اشتغال صدماتي است كه نصيب قربانيان ر میشـود. همچنین در گیر شــدن مصدومان، خانواده واطرافیان آنان بامشکلات عدیده از دیگر تاثیرات مُخرَب مینهای برجای مانده از جُنگُ

فراموش نکنیم که صرف احتمال وجود مین اطق پیرامونی،امنیت خاطر شیهروندان و رهگذران را تهدیدمی کندوشهروندان نمی توانند آزادانه و بدون دغدغه خاطر در این مناطق زندگی

در کنار انفحار گاه و سگاه مین (که سانگر انجام در صورها به عامل و دقیق مناطق آلوده به مین است) شاهد تلاشها و اقدامات اعضای ستاد مین روبی برای پاکســازی مناطق آلوده به مین و ایمن سازی این مناطق هستیم، اما واضح است که به دلیل کثرت و وسعت مناطق آلوده به مین، پاکسازی کامل تمام مناطق چندین سال طول می کشد افراد مین روب که کار و عمر خود را برای پاکسازی مناطق آلوده به مین اختصاص دادهاند. دارای دانش کافی برای نحوه مواجهه با مین هستند و با گردآوری مین ها، از افزایش تلفات جلوگیری می کنند، اما باوجود تجهیز افرادمين وب به وسيايل و تحهيزات حفاظتي، باز شاهدانتشار اخبار کشته

ومجروحشدن افرادمين روب می توان دریافت که به جز شــهروندان، این افراد هم در آمار اولیــه از وجود حدود اوصاف يكچهارم جمعيه

انفجار أن قُرار دارند. اهميت

فعالیتافرادمین روبباتوجه بهاین نکته آشکار می شود که خنثی کردن حتی یک عدد مین به معنای نجات جان یک نفر از شــهروندان

ر براساس گزارش کمپین بین المللی ممنوعیت بین های ضد نفر در سال ۲۰۱۳، روزانه ۱۲ نفر قربانی مینهای ُضدُ نفر میشوند کُهُ ۵۸درصدُ تربانی میرهای صد نفر می سوند که سازهد قربانیان غیر نظامی هستند. در کشور ایران مناطقی از غرب، شرق، شـمال غرب و جنوب کشور آلوده به مین هستند و بیش از ۹۰ درصد مناطُق البوده فاقد هر گونیه نقشیه و علایم شناسایی اند. در غرب کشُورُ به دلیل کوهُستانی بودن منطقه، مینها جابه جا شدهاند که نبود بودن علایم هشداردهنده و ناآگاهی مردم، ساکنان محلی و رهگذران مناطق آلوده به مین، بازگشت مردم بعداز خاتمه چنگ به مناطق مسکونی خود که در طولُ جنگ آلوده به مین شده، پراُکندگی ت کاشت این سلاح و تغییر مس عُوامل ديگر موجب افزايشُ آمارُ قربانيان شده

کشورها در راستای نحوه جمع آوری مینهای موجدود و حمایت بین المللی از قربانیان آن نیز . ومند خواهیم شد. زیرا وجود ۱۶ میلیون مین کشور و خطر مواجه شدن ۱۶ میلیون شهروند با آنها معضل بزرگی است که موجب شده ایران . بهعنوان «یکــی از آلودهترین کشــورها به مین در دنیا» شــناخته شــود. از بین بردن این عنوان تلاشهای بیشتری برای مین دایی می طلبد. پرستارها که به هم تبریک می گفتند، زن بغض پر می کرد. مردم کــه از هوای خوب بهاری ســخن می گفتند، چیزی گلوی خشــک زن را میفشرد.



یاکسازی مین و مهمات هنوز تمام نشده است

گفتوگوبابهنام صادقی، تخریبچی باسابقه

۸ گلوله کاتیوشا در یک خانه پیدا کر دیم

نرگس جودكي روزنامه نگار

زندگی بـرای او دو بخـش دارد. بخـش صلی روزهایی است که زمینهای سخت و زخمخــورده غرب و جنوبغربــی را برای پیدا کردن سربازان خاموش میکاود و بخش دیگر ت كه با انبوهي از كاغذو عكسو فيلم از لحظههای انفجار و کشف و دلهره به پایتخت برمی گرددوروزشماری می کند تا دوباره سر به سایان بگذارد.

بهنام صادقی سالها در زمان جنگ در یگانهای رزمی و آموزشــی بود. چنــد بار هم مجروح شد. او تخریب را هم در جنگ آموخت. بعداًز جنگ به دلیل تخصصی که داشت، به گردان تخریب رفت و از همان آغاز در عملیات باكســازي زمينهاي آلوده به ميــن و مهمات جنگی باقی مانده از جنگ حضور داشت سرهنگ بازنشسسته ۳ٌ۵ساله، بریروژههانظارت دارد.

. . . ۔ . این همه ســال است که شــما در کار تخریب ہیں۔۔۔ هستید و میبینید که آمار دقیقی از پاکسازی میادیس مین ارایه نمی شود. به همین دلیل اغلــب آماری که هنوز به آن اشــاره میشــود، همــان ۱۶ يــا ۲۰ ميليون مين و مهماتي اس که از بیش از ۱۰سال پیش در مورد آن صحبت

۔ کســانی که هنوز به آمار اولیه اســتناد میکنند، غرضی ندارند چون نهاد ملی مین به صورت خود کار اطلاع رسانی کاملی در این باره ندارد. اگر اطلاع رسانی ماهانه یــا به صــورت گــزارش فصلی مانند ســایر كشورها وجُود داشَّت، نهادهاًى مردمي هم اطلاعات

بهروزتری را ارایه می دادند. از طرف دیگر، در دولت قبل در برخی استان ها مانند کر مانشاه، جشن پاکسازی برگزار شداما هنوز اخباری از انفجار و کشته و مجروح شدن شهروندان در این مناطق شنیده میشود. آیا می توانیم بگوییم پاکسازی کامل انجام شده است و آیا می شود جشن پاکسازی در این مناطق بر پاکرد؟

مرکنز مینزدایی کشبور خاتمه پاکسیازی را د سیاری مناطق از جمله کرمانشاه و ایلام اعلام کرده است اما دلایل بســیاری برای بروز این اتفاق ها وجود دارد امکان دارد در این مناطق مهمات یا مینها که در اعماق زمین فسرو رفتهاند به مرور زمان و در اثر عوامل طبيعي يا دخالت انسان بالابيايند. براي مثال، ر کی در ایستانی استان بازد اور اثر مرور زمان یا خاکبرداری انجام شده باشد یا در اثر مرور زمان یا جریانات جوی و بارندگسی لایههای خاک کنار رفته و پدیدار شده یا به سطح خاک رسیده باشند. چنین ، عواملی باعث ایجاد حادثه برای افراد می شوند.

بسیاری از این قربانیان کودک هستنُد. برخی افراد، آموزشی برای مواجهه با مین و مواد منفجره ندیدهاند و حتی برخی هم که آموزش

اهــواز بــرای او کــه در همه عمــر از ســیاهچادر

عشایری و مســیر کوچ بیرون نزده بود، هیولایی بود که ســروتهاش را نمی شــد دیــد. زن در تمام

. مدتی که در فاصله «خانه معلم» و بیمارستان در تاکسی مینشست، ناله می کرد: «هادی»

۱۰ اسـفند گلولهای از زمین در آمد و خانهشان

باباخانی و پیکانی مُجرُوح شَدنُد. هیچ کُدام دیگر نفهمیدند بهار کی آمــد و چطور. همه این روزها،

چادرها پر بوداز زنان و مردانی کـه مویه کُنان

ے آمدنے و مے رفتند ۲۰ روز گذشے ت اول یک

پای هادی را قطع کردند و بعد قرار شد، پای دیگر

زن در راهروی بیمارستان چنگ به صورت

می کشید و دعا می کرد دست و پای پسر را قطع کنند، اما زنده بماند که نماند. محمدهادی

ملکیــان در آخرین روز ســال ۹۳ برای همیشــه

سیاه کرد و روزگارشــان را. هادی و بچههای

دیدهاند، باز دچار حادثهشدهاند. آیا با برگزاری جشن پاکسازی این آموزشها هم متوقف

-آموزشها باید مستمر باشند که متاسفانه در ایران مر نیست چون همیشـه وابسته به بودجهٔ هایی است که در سال تعیین می شود. کافی است مقداری از بودجه برای این اقدام افزایش یابد، خواهیم دید که دُر وُضعیتُ آموزشها تأثیر می گذارد. آموزش هم به این معنا نیست که حادثه تمام می شود. آموزش باید منجر به تغییر نگرش در افراد شود. در حال حاضر آموزش به عهده کدام نهاد

آموزش در اصل به عهده نهاد ملی مین است، اما

در ایران در حال حاضر سازمان بهزیستی و جمعیت هلال احمر این کار را انجام می دهند. ایسن دو نهاد در قالب یک کمیته کار انجام می دهند یا این که هر کـدام به صلاحدید خود برنامههای آموزشی را طراحی می کنند؟ چون اگر این همکاری مشترک وجود نداشته باشد، م کن است برخی مناطق از قلم بیفتند.

متأسفانه این دو نهاد جداگانه این آموزشها را نجام می دهند و امکان دار د در یک منطقه هر دو گروه آموزش بدهند و در منطقهای هیچ یک از اُنهاُ رر کراری. حضور نداشته باشد. علاوه بر این، سطوح آموزشها يكسان نيست و ممكن است كم يا زياد باشد. از سوى دیگر فراگیری افراد هم در مناطق مختلف، متفاوت

سازمانهای مردمنهاد دخالتی در ایس أموزش هاندارند؟

در حال حاضر سازمان مردمنهاد ســـتقلی در زمینه آموزش خطر مین و مهمات وجود نیدارداما موسسات تحت پوشش بهزیستی از طرف سازمان این کارها را انجام

افراد آموزشگر خودشان چطور آموزش دیدهاند؟ نقص بزرگی که وجود دارد، این است که هیچ کدام از مربیهای دو گروه آموزشهای کافی ندیدهاند هرچند شاید هلال احمریک گام بلُوتر باشــد چــون آموزُشها از طریق صلیبسرخ به آموزشگران

رین ارایه شده است افـرادی کـه در حـوادث انفجار میــن و مهمات مصدوم میشوند، برای دریافتدرصد

جانبازی از کمیسیون ماده ۲ مشکلات بسیاری دارند که یکی از آنها روند طولاتی تعیین در صد در این کم

مىپذيرد،وجودندارد؟

کمیسیون ماده ۲ که در ســال ۹۰ هم اصلاح شد، قانون َحوبی است. مشـکُل بزرگ این کمیس نداشـــتن بـــازه زمانی برای تشــکیل و اعـــلام نتایج کمیسیون اســُت. گاه یک پرونده ماهها و سالها در کمیســیُون معطل می ماند، دُر حالــی که در صورتُ الزامی شدن بازه زمانی محدود برای تشکیل و اعلام ، مشكلات حل مى شود. • ، مشكلات حل مى شود.

یب سند و به می می اور باکسازی فعالند، افراد تخریبچی هم که در پاکسازی فعالند، تعيين در صداين افراد هم طولاني است.

.... مرکسز مینزدایی تمام افسراد تخریب چی را که در طرحهای این مرکز هستند، بیمه می کند. هیچ فردی حق ندارد وارد مُیدان مین شـود مگــر این که بیم شده باشد. گاه پیمانکاران پاکسازی سهل انگاری یا اسم افراد را دیر ارسال می کنند یا ارسال نمی کنند و فرد دُچار حادثه شده و با مشکلاتی روبه هُرچند مركز مينزدايي كمك ميكند كه حقى از

نند، بیمه میشوند و وقتی کار تمام مے شہود، فعالیتے ندارند و نیازی نیسیت که پیمه

جرامراحل تعبين درصداين افراد طولانی میشود؟ تعیین درصد از حیطه کار مرکز مینزدایسی خارج است و برعهده بنیاد شهید و ایثارگران است. این مرکز بلافاصله پرونده را به سازمان ، میفرسستد که پولشسان را

خيلي از اين افراد حقوق یار اندکے میگیرنہ

جزو مشاغل سخت و زیان آور نعریـف نشـده اسـت، امـا بـا

. پیگیریهایسی کسه انجسام دادم، متوجه شسدم چنانچه هسر زماني

فردی اقدام کند، از طریق کمیسیونی که در اداره کار وجود دارد، جزو مشاغل سخت، زیان آور محسوب

آیا هیــچ راهــی بــرای کوتاه کردن ایــِن زمان که زندگی مصدوم و خانبوادهاش از آن تاثیر

دچار حادثه می شوند. قرارداد کاری بسیاری از آنان کارگری است و تنها در زمان انجام طرح، بیمه هستند. روند رسیدگی به پرونده و

این که افراد در طول هر طرح بیمه میشوند،

ی بله همین طور است. واقعیت این است که افرادی

بگيرند و بعدادامه كار برعهده بنياد

در صور تے کے کار سےخت و خُطرناكى راانجام مىدهند، آيا نبایداین شغل در شمار مشاغل سخت و زیان آور باشد؟

,شــود. شــغلی ماننــد تخریبچی و پاکســازی زمین ها از مین شخل جدیدی است و بعد از مراجعه فرد می تواند از طریق کمیسیون اداره کار از مزایای سختی کاربهرهمندشود. پس باز هم باید کمیسیون تشخیص دهد واگر فرد مطلع نباشید و مراجعیه نکند و

دُرخواُستُ ندهد،از این حق بهر هٔمندنمیشود. بله. باید افراد بدانند و کارفرما هم باید در لیس بیمهای که ردمی شود، قید کند که شغل فرد تخریبچی است. ما به شدت پیگیر این ماجرا

بسیاری از مردم اصلا تصوری از شغل تخریبچی و مینروبی ندارنــد. خیلیها فکر می کنند همه نیروهای تخریب چیی، نظامی هستند. اخبار شهادت و مصدومیت این افراد هم آن گونه که باید، منعکس نمی شود، چرا؟

این موضوع تا حدودی به سیهل انگاریهای

ما برمی گردد. نهاد ملی میــن خود را به جامع معرفــی نکرده و طبیعی اســت که کســی نمی داند خریبچی ها افرادی هستند که این شغل پرخطر راانتخاب کردهاند و با کمترین حقوق کار می کنند. فُكر مي كنم وظيفه نهاد ملي مين اس معرفی آنها تلاش کند. بهطور مثال برای تعداد زیاد افرادی که در این بخش شهید شدند، تاکنون بیشتر

کودکانی که ۲۶سال پس از جنگ جان می بازند

بازىممنوع



به خــواب رفــت. در حالی کــه بــرادر و مادرش ے ــتان اشــک میر؛ ــتند چطور باید در این ســال نو و بهار دلكش أمبولانسي برأى انتقال تن چند تكه هادي

در راهـروی بیمارسـ

پیدا کنند. مردم در خیابان پیشاپیش ره عیدرا تبریک می گفتند و نعرهای در گلوی امین کرمی از نخستین کسانی است که در

یمارستان ایلام بالای سے محمد پیکانی رس ت همبازیها آنقدر ُسوخته و سـ که در لحظــه اول قابل تشــخیص نبودند. محمد پیکانی چشــمها را بســته بود. کرمــی می گوید؛ جهها شــوکه شــده بودند هــم از شــدت موج انفجار و هم حادثهای ناگهانی کمه آنها را از بازی کودکانه زخمی و دردمند به بیمارستان کشانده بود. بچهها خود را مقصر می دانستند. به خاطر بازی با شــی ناشــناخته ای که کنار سیاه چادرها ے ۔ .. محمد باباخانی را بے تھران منتقل کردند و برادرش را به اهواز. در بیمارستان رسول اکرم(ص) در لباس آبی کمرنگ لاغرتر و رنجور تر شده بود. در طول ساعت هایی که ملاقاتیها او را روی تخت به هم نشان می دادند و پدرش با فبرنگارها درباره روز حادثه حرف میزد، محمد چشمهای مژهسوخته را بسته بود و کسی

نمیدانست به چه چیزی فکر می کرد. کرمی که خود جانباز مین روب است، می گوید: «این بچهها و خانوادههایشان هم اکنون بیش از هر چیزی به مشـاوره و روانپزشک احتیاج دارند.